



۲۰۱۶/۰۶/۰۸



م. نسیم اسیر

نغمه جانگداز!

کوشش های صلح دولت وحدت ملی «؟» با طالبان، همه با انتحاری ها و حملات خونین در شهرها و قصبات جواب داده می شود و هر روز خانواده ای در سوگ، پیر، جوان و طفل خود اشکریزان می گردد. حامی این گروه تروریست یعنی پاکستان هم، مغایر همکاری درین پروسه، بر مشکلات می افزاید تا امیدواری ها را به نومیدی مطلق مبدل سازد. تعجب آور این که درین گیر و دار، صدای مصالحه با دولت کابل از کسی بلند گردیده است که با کلمه صلح اصلاً آشنائی ندارد و آن حزب اسلامی است که بعد از یک سلسله بگو مگو ها، پیش نویس مصالحه با او ترتیب و با گرفتن امتیازات بیرون از تصور، شاید بین طرفین عنقریب به مرحله نهایی رسیده و امضاء شود.

امیدواریم این مصالحه با ثبات و طرفین به اجرای آن صادق باشند:

زمن مپرس اگر قصه دراز اینست	زبد سکالی دشمن هزار راز اینست
تو ساز سوختن آرزوی خود بنواز	که نغمه های غم انگیز سوز و ساز اینست
وطن به خاک نشسته ز جور بد خواهان	حقیقتی که عیان گشته از مجاز اینست
چو مرغ بی پر و بالی فتاده از پرواز	بسان صعوه به چنگال جره باز اینست
به غم مقایسه ما نشان روز و شب است	سیاه بخت زمانیم، اصل راز اینست
شعار وحدت ملی بلند گشته به ملک	جنازه ای که به مرگش کنی نماز اینست
بعید نیست که ما کشته نفاق خودیم	وفاق گم شده، مضمون جانگداز اینست
به داد گاه عدالت، به قاتل مردم	دهند خلعت بخشایش، امتیاز اینست
به اعتراض صدایی اگر بلند کنی	کسی جواب نمی گوید احتراز اینست
به تیره بختی ما گریه می کنند «اسیر»	نشیب زندگی ما از آن فراز اینست

م. نسیم «اسیر» ۱۸ می ۱۶م

فرانکفورت